

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۳۹	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۱۶
عنوان ۱	نماز مسافر				
عنوان ۲	شروط تقصیر				
عنوان درس حاضر	شرط سوم از شروط تقصیر: استمرار القصد				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین.

مرور درس های گذشته

بحث ما در استدلال بر مبنای صاحب جواهر رحمته الله، صاحب عروه رحمته الله و شاید مشهور درباره اینکه کسی که قصد مسافت داشت مقداری را طی کرد و بعد مردد شد و یا عزم بر برگشت پیدا کرد، دوباره بعد از تردد مجدداً عزم بر سفر به همان مقصد قبلی که نیت داشت برای او متجدد شد در این باقیمانده از مسافت باید قصر بخواند یا تمام؟
گفتیم این بزرگواران قائل به وجوب قصر شده اند به این دلیل که این سفر ادامه سفر قبلی است.
دو دلیلی که می تواند این مبنا را تایید کند مطرح کرده و رد نمودیم.
بحث ما در روایت اسحاق بن عمار رحمته الله بود که در آن آمده است:

«وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنْ صَبَّاحِ الْحَنَائِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ خَرَجُوا فِي سَفَرٍ فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ فِيهِ التَّقْصِيرُ قَصَرُوا وَمِنْ الصَّلَاةِ فَلَمَّا صَارُوا عَلَى فَرَسَيْنِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ فَرَاسِخٍ أَوْ أَرْبَعَةٍ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ رَجُلٌ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ سَفَرُهُمْ إِلَّا بِهِ فَأَقَامُوا يَنْتَظِرُونَ مَجِيئَهُ إِلَيْهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ السَّفَرُ إِلَّا بِمَجِيئِهِ إِلَيْهِمْ فَأَقَامُوا عَلَى ذَلِكَ أَيَّامًا لَا يَدْرُونَ هَلْ يَمْضُونَ فِي سَفَرِهِمْ أَوْ يَنْصَرِفُونَ هَلْ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُتِمُّوا الصَّلَاةَ أَمْ يُقْصِرُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ قَالَ إِنْ كَانُوا بَلَغُوا مَسِيرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ فَلْيُقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ أَقَامُوا أَمْ انْصَرَفُوا وَإِنْ كَانُوا سَارُوا أَوْ أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ فَلْيُقِيمُوا الصَّلَاةَ قَامُوا أَوْ انْصَرَفُوا فَإِذَا مَضَوْا فَلْيُقْصِرُوا»^۱؛

سائل در این روایت سؤال می کند که اینها چند روزی منتظر ماندند تا آن شخص به آنها ملحق شود، در این مدت انتظار باید قصر بخوانند یا تمام بخواند؟

امام عليه السلام می فرماید: «إِنْ كَانُوا بَلَغُوا مَسِيرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ فَلْيُقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ». اگر جایی که متوقف شدند قبل از این چهار فرسخ را آمده اند و بعد که می خواهند برگردند می شود هشت فرسخ و اگر توقف را ادامه دهند یا برگردند باید قصر بخوانند اما اگر کمتر از چهار فرسخ آمده بودند باید تمام بخوانند چه توقف را ادامه بدهند و چه به شهر برگردند زیرا مسافت نیست و بعد فرمود: «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيُقْصِرُوا» اما اگر سفر آنها ادامه دارد، در این صورت باید نماز را به قصر بخوانند و تمسک به این عبارت است که: «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيُقْصِرُوا».

۱. وسائل الشیعة؛ تتمه کتاب الصلاة، ابواب صلاة المسافر، باب ۳، ح ۱۰.

به این روایت اشکال سندی گرفته شد که در جلسه قبلی این اشکال را رفع نمودیم. اشکال دومی گرفته شد که «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» در خصوص مورد بحث ما وارد نشده؛ مورد بحث ما جایی است که ادامه سفر آنها مسافت نباشد در حالیکه این عبارت اعم از این است که باقیمانده سفر مسافت باشد یا نه پس در خصوص مورد بحث ما نیست جواب دادیم که بالاخره اطلاق دارد و اطلاق آن شامل هر دو مورد می شود هم جایی که باقیمانده مسافت باشد و هم جایی که باقیمانده سفر مسافت نباشد. تا اینجا بحث شد.

مرحوم آقای خوئی رحمته الله بر این اطلاق و یا بر تمسک به این اطلاق اشکال وارد نموده اند که این اطلاق در عبارت «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» تقیید خورده است؛ ما از روایات مقیده استفاده می کنیم که «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» مخصوص جایی است که باقیمانده سفر مسافت باشد و شامل جایی که مسافت نباشد نمی شود.

محصول کلام **مرحوم خوئی** رحمته الله این است که ادله یجب التقصیر فی بریدین یا ادله ای که به این مضمون آمده بودند مثلاً روایات مانند: «أَذْنَى مَا يَقْصِرُ فِيهِ الْمُسَافِرُ قَالَ بَرِيدٌ» این دسته از روایات تقصیر می زند این روایت را به موردی که باقیمانده از سفر مسافت باشد زیرا روایت می فرماید سفر موجب تقصیر سفری است که به مسافت باشد و توضیح می دهد که در اینجا قاعده ای کلیه داریم که آن را ایشان از روایات استفاده می کند که «کل من وجب علیه التمام لایجب علیه القصر الا اذا سافر الی بریدین» به عبارت دیگر هر کسی که وظیفه اش کامل خواندن است به هر دلیلی، این وظیفه از دوش او برداشته نمی شود مگر آنکه سفر به مسافت برای او حاصل شود در این صورت یجب علیه التقصیر و الا فلا.

در مانحن فیه کسی که در مکان مردد بود و به قصد سفر الی المسافة از شهر خارج شد اما در دو فرسخی برای او تردد حاصل شد و در آنجا ماند با تردد گفتیم وظیفه اش تمام است و طبق این روایات این شخصی که وظیفه اش تمام است شامل این شخص هم می شود این شخص وظیفه اش تمام است و اگر سؤال می کرد که تقصیر من از کی شروع می شود؟ جواب می آمد که اگر قصد بریدین داری پس این روایت تقیید می زند روایت اسحاق بن عمار را که می فرماید: «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا».

عرض ما این است که اصلاً نوبت به تمسک به این قاعده و... نمی رسد چه بپذیریم و چه نپذیریم این قاعده دهر صورت حتی در صورت پذیرش ما برای اینکه پاسخ استدلال به این روایت را بدهیم نیازی به این قاعده و امثال آن نداریم زیرا اساساً به عقیده ما اطلاق «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» منعقد نمی شود تا نیازی به تقیید داشته باشیم زیرا در اینجا قرینه متصلة بر خلاف اطلاق وجود دارد؛ فرق قرینه منفصلة و متصلة این است که در متصلة اطلاق منعقد نمی شود اما در قرینه منفصلة اطلاق منعقد می شود و بعد با جمع عرفی اطلاق را تقیید می زنیم در این روایت اسحاق بن عمار قرینه متصلة داریم که مراد از «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» عبارت است از «فاذا مضوا الی بریدین فلیقصروا» است.

قرینه دو مطلب و دو مقطع از همین روایت است که اگر این دورا در کنا رهم بگذاریم معلوم می شود که «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» در اذا مضوا الی بریدین وارد شده است و اصلاً مطلق نیست.

مطلب اول: این عبارت است که «إِنْ كَانُوا سَارُوا أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ فَلْيَتِمُّوا الصَّلَاةَ» معنی آن این است که وظیفه واقع یاینها از اول که از شهر خارج شدند تا نقطه توقف از اول تا اینجا وظیفه اتمام الصلاة بوده و قصر نبوده، امام علیه السلام در حال بیان حکم واقعی هستند و در این مسافتی که تاکنون آمده اند وظیفه شان اتمام الصلاة بوده است و از ابتدا وظیفه آنها

اتمام الصلاة بوده و حکم واقعی آنها تمام بوده است. پس این سفر قبل التردد نزد امام سفر حساب نشده است یعنی از شهر که خارج شدند وظیفه آنها اتمام الصلاة بود تا موضعی که متردداً ایستادند.

در مکمل روایت مرحوم صدوق رحمته الله می گوید:

«ثُمَّ قَالَ وَهَلْ تَذَرِي كَيْفَ صَارَ هَكَذَا قُلْتُ لَا أَذْرِي قَالَ لِأَنَّ التَّقْصِيرَ فِي بَرِيدَيْنِ وَلَا يَكُونُ التَّقْصِيرُ فِي أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا كَانُوا قَدْ سَارُوا وَبَرِيداً فَأَرَادُوا أَنْ يَنْصَرِفُوا بَرِيداً كَانُوا قَدْ سَارُوا وَسَفَرَ التَّقْصِيرُ فَإِنْ كَانُوا سَارُوا وَأَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ إِلَّا إِيْتِمَامُ الصَّلَاةِ قُلْتُ أَلَيْسَ قَدْ بَلَغُوا الْمَوْضِعَ الَّذِي لَا يَسْمَعُونَ فِيهِ أَذَانَ مِصْرِهِمُ الَّذِي خَرَجُوا مِنْهُ قَالَ بَلَى إِنَّمَا قَصَرَ وَفِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَشْكُوا فِي مَسِيرِهِمْ فَلَمَّا جَاءَتِ الْعِلَّةُ فِي مَقَامِهِمْ دُونَ الْبَرِيدِ صَارَ وَهَكَذَا»؛

در این مکمل آمده است که اگر این مسافتی که تاکنون آمده اند اگر برید نباشد وظیفه او اتمام الصلاة است به این معنا که مسافتی که تاکنون قطع کرده اند مسافت نیست و از این به بعد مهم است که مسافت هست یا نیست. پس اساساً «فَإِذَا مَضَوْا فَلْيَقْصِرُوا» اطلاقی ندارد که ما برای تقیید این اطلاق به قواعد التقصیر فی بریدین یا به قواعد دیگر رجوع کنیم و لذا پاسخ ما به استدلال به ذیل روایت این است که این ذیل مخصوص جایی است که مابقی سفر مسافت باشد و شامل جایی که مابقی سفر مسافت نیست نمی شود.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ